

ویژه

**هدف اضطراری نتانیاهو در سفر به واشتگتن**

یک کارشناس مسائل بین‌الملل گفت که مهم‌ترین محور سفر نتانیاهو به آمریکا چگونگی اداره وضعیت غزه در آینده است. «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی قرار است امروز سه‌شنبه به وقت محلی با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور جدید آمریکا دیدار کند. نتانیاهو پیش از عزیمت به آمریکا مدعی شد: تصمیماتی که در طول جنگ گرفتیم، خاورمیانه را تغییر داد.

می‌توانیم خاورمیانه را با کار سخت با ترامپ تغییر دهیم. نتانیاهو نخستین مقام خارجی است که پس از مراسم تحلیف ترامپ که ۲۰ ژانویه انجام شد، با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار می‌کند.

دیدار با ترامپ، بحث و گفت‌وگو پیرامون مقابله با حماس، بازگشت اسرای اسرائیلی و ایران از جمله موضوعاتی است که گفته می‌شود در دیدار نتانیاهو و ترامپ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

**وضعیت غزه: مهمترین بخش سفر نتانیاهو به آمریکا**

«حسن بهشتی‌پور» در گفت‌وگو با ایسنا مهم‌ترین دستور کار سفر نتانیاهو به آمریکا و دیدارش با ترامپ را «آینده غزه و منطقه» دانست و گفت: در حال حاضر علاوه بر مصر و اردن، عربستان، تشکیلات خودگردان، قطر و امارات متحده عربی چهار کشوری هستند که با طرح کوچاندن فلسطینیان از غزه مخالفت کردندد اما به نظر می‌آید آمریکا سعی دارد هم‌چنان با ۲ روش تهدیدد و امتیاز دادن به این کشورها به ویژه مصر و اردن آنها را به موافقت با این طرح وادار کند. معتمد مهم‌ترین بخش سفر نتانیاهو به آمریکا پیرامون وضعیت غزه و اداره آن در آینده و مسائل حاشیه آن است. این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: باید دید اسرائیل در موضوع کوچاندن فلسطینی‌ها چه برنامه‌ای دارد. به هر حال ترامپ حتماً تمایل دارد نقشه احیای صلح ابراهیم را هم دنبال کند و از این رو دوباره با عربستان، مصر، اردن، امارات و بحرین صحبت خواهد کرد و برای این کار نیاز است تا مساله غزه و جنگ در این منطقه را به نحوی سر و سامان دهد. به هر حال طرح ابراهیم به طور کلی مخالف و ضد تشکیل ۲ دولت اسرائیلی و فلسطینی است، بنابراین باید دید اراده سیاسی این کشورها در نهایت به چه سمت می‌رود. با توجه به تحولات و تاثیرات جنگ هفت اکتبر و اقدامات و جنایاتی که اسرائیل در منطقه مرتکب شده است عملاً همراهی کشورهای عربی با اسرائیل دشوار شده است.

استراتژیک

**معادله پیچیده مذاکره و اصول دستگاه دیپلماسی**



وزارت‌خارجه ایران با تکیه بر شناخت طرف مذاکره، شفافیت در طرح ایده‌ها و واقع‌گرایی در خواسته‌ها، تلاش می‌کند تا برای معادله پیچیده مذاکره، راهکاری مناسب یافته و افق هرگونه گفت و گویی با غرب را به نفع کشور، ترسیم کند. مذاکرات، سازوکارها و نتایج آن در سه ماه اخیر از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه رسانه‌های داخلی و خارجی و همچنین نشست‌ها و جلسات سیاسی بوده است. شاید در هیچ کشوری فرایند مذاکره به اندازه ایران مورد توجه و تحلیل قرار نگرفته و اثرگذار ارزیابی نشده‌ود. در حالی که گفت‌وگو با کشورهای دیگر و رسیدن به توافقی با آن‌ها امری عادی و مرسوم در سیاست خارجی بسیاری از کشورهاست، در ایران این موضوع کانون بسیاری از تحلیل‌ها، انتقادات و حتی توهین‌هاست. هرچند این نوع و میزان توجه ریشه در رویدادهای تاریخی و فراز و نشیب‌های روابط با برخی از کشورهای جهان دارد، اما این فرایند عقلانی گاهی به دست‌درگیری‌های سیاسی در داخل کشور شده و امکان نتیجه‌گیری از آن را دشوار می‌سازد. به این حال، وزارت امور خارجه به عنوان متولی اصلی اجرای تصمیمات در حوزه روابط با جهان و مذاکرات، در طول ماه‌های گذشته تلاش کرده است تا ضمن توجه به واقعیات داخلی و خارجی، میان منافع ملی و این واقعیات بل زده و راه‌گشایی کند.

**مذاکره و مواضع وزارت امور خارجه**

به گزارش ایرنا التزام وزارت امور خارجه به عنوان مجری سیاست‌های نظام، ایجاب می‌کند که در هر نوع مذاکره با طرف بدعهد، هوشیاری لازم رعایت شود. این امر نمود اجرایی سسه اصل «عزت، حکمت، مصلحت» است. مروری بر مواضع «سعید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه، در ماه‌های اخیر و به‌ویژه پس از روی کار آمدن «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، نشان می‌دهد که دستگاه دیپلماسی کشور به‌رغم تمام فشارهای رسانه‌ای، مطابق با دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موضع گرفته است. عراقچی در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با شبکه الجزیره قطر بار دیگر این مواضع را به‌صورت صریح و شفاف تأکید کرده است:

۱. رخدادهای یک تاریخ پر از خصومت و بی‌اعتمادی میان ایران و آمریکا ایجاد کرده است که مسلماً همه این‌ها با یک کلمه جبران نمی‌شود.
۲. باید دلیلی برای گشایش صفحه جدیدی میان ایران و آمریکا وجود داشته باشد که در حال حاضر زمینه‌ای برای این کار نیست.
۳. باید سیاست‌های اتخاذ شده از سوی آمریکا را بررسی کنیم تا مشخص شود آیا در نتیجه این سیاست‌ها، زمینه جدیدی ایجاد خواهد شد که بر مبنای آن گفت‌وگوهایی صورت بگیرد.
۴. آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران می‌تواند یکی از گام‌های اولیه اعتمادزا باشد.

چهار محور مورد تأکید وزیر امور خارجه که پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با اسکاینیوز انگلیسی، خبرنگاران داخلی و رسانه ملی بارها اعلام شده است، حکایت از آن دارد که دستگاه دیپلماسی تلاش دارد تا بر پایه «شناخت، شفافیت و واقع‌گرایی» برای معادله پیچیده مذاکره پاسخی مناسب یافته و روند و مسیر هرگونه مذاکره‌ای را با غرب تا حدود زیادی مشخص سازد.

**حکمت شناخت از طرف مذاکره**

مفهوم حکمت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، شناخت دقیق مذاکره‌کننده‌ای نسبی می‌زیر از ضروری می‌سازد. آمریکا به عنوان اصلی‌ترین طرف مذاکراتی، روابطی همواره تیره با هاله‌ای از خصومت و بی‌اعتمادی با ایران داشته که به اقتضای زمان و مکان پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر می‌شود. از میان رفتن این هاله اما حداقل در کوتاه‌مدت ممکن به نظر نمی‌رسد. واقعیت آن است که بنیان هر مذاکره‌ای میان ایران و آمریکا بر «بی‌اعتمادی» استوار است و ریشه این بی‌اعتمادی را می‌توان در حمایت واشتگتن از کودتا علیه دولت قانونی «محمد مصدق»، نخست‌وزیر ایران در دهه ۳۰ شمسی تا خروج از توافق برجام در دهه ۹۰ شمسی دانست. به تصریح وزیر امور خارجه، مجموعه این رویدادها ایران را به سمت کم‌بندین ساخته و شناخت آن‌ها برای آغاز و تداوم هر گفت‌وگویی ضروری است.

**مصلحت کشور و نگاه واقع‌گرایانه**

مفهوم مصلحت، نگرش واقع‌گرایانه به نقاط ضعف و قوت و پرهیز از افتادن در تله شعارهای غیرواقعی و غیرمنطقی را لازمه هر گفت‌وگویی می‌داند؛ بنابراین بدینینجهت و روابط دو کشور و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفع این بدبینی‌ها اما بیش و پیش از آنکه در گرو وعده‌ها باشد، نیازمند عمل است. تأکید وزیر امور خارجه بر جایگزینی اقدام با حرف، سیاست واقع‌گرایانه ایران در مواجهه با جهان را نشان می‌دهد. روی دیگر این واقع‌گرایی زمان‌سنجی مذاکره است، به گفته وزیر امور خارجه، صفحه جدیدی در روابط بین ایران و آمریکا گشوده نشده و این صفحه جدید نه با تغییر روسای جمهوری آمریکا بلکه با تغییر در رویکرد، رفتارها و تصمیمات واشتگتن در قبال تهران امکان‌پذیر است.

**شفافیت تاریخی ایران در اعلام خواسته‌ها**

جمهوری اسلامی ایران از نوامبر ۲۰۱۳ تا فوریه ۲۰۲۵، در هر مذاکره و گفت‌وگویی با طرف‌های غربی به‌طور شفاف اعلام کرده است که در برنامه هسته‌ای خود، در پی ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای نیست، اما استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق خود می‌داند و بر آن مصر است.

«دنیل سی. کرتزر» و «آرون دیوید میلر» در یادداشتی در نشریه **فارن پالیسی نوشتند:** نتانیاهو باید پیش از دیدار با ترامپ انتظارات خود را پایین بیاورد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اولین رهبر خارجی خواهد بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا میزبان اوست؛ امتیازی برای جایگاه منزلت‌ناپاهاو در داخل اسرائیل. این دو رهبر در حالی با یکدیگر دیدار می‌کنند که آتش‌بس‌های بسیار مهم، اما لرزان در غزه و لبنان برقرار است. ترامپ که طرفین را برای رسیدن به توافق بر سر آتش‌بس و تبادل گروگان‌ها در لبنان تحت فشار قرار داده و در هر دو مورد موفق بوده است، اکنون مالکیت هر دو دستاورد را بر عهده دارد و مدیریت و نظارت بر آنها بر عهده‌ی اوست.

در حالی که فضای این دیدار تقریباً به‌طور قطع مثبت خواهد بود، این فضای مساعد ووجه رابطه‌ی بین دو رهبری را که چندین علاقه‌ای به یکدیگر ندارند و مطمئناً به یکدیگر اعتماد نیز ندارند، ترمیم خواهد کرد. هر دو اختلافات ماه‌های پایانی اولین دوره‌ی ریاست جمهوری ترامپ را به یاد دارند. نتانیاهو با تشویق سفیر وقت آمریکا، به این باور که با طرح موسوم به «معامله‌ی قرن» ترامپ همخوانی دارد، به الحاق بخش‌هایی از کرانه‌ی باختری فکر می‌کرد. اما ترامپ، به‌ویژه در آستانه‌ی کارزار انتخاباتی خود، به هیچ وجه چنین چیزی نمی‌خواست. علاوه بر این، ترامپ بعداً از تماس تیریک نتانیاهو با جو بایدن پس از پیروزی او و در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا و عدم تمایل نتانیاهو به پذیرش روایت نادرست ترامپ در مورد تقلب در انتخابات ششمگین شد.

گذشته از این بی‌اعتمادی، هر دو رهبر در حال حاضر به یکدیگر نیاز دارند و از پرگزاری یک دیدار خوب منتفع می‌شوند. ترامپ که خود را طرفدارترین رئیس‌جمهور اسرائیل بی‌تاریخ آمریکا می‌داند، با شمار حمایت بی‌دریغ از اسرائیل به میدان آمد. یکی از اولین تصمیمات او به عنوان رئیس‌جمهور، لغو تحریم‌هایی بود که بایدن علیه شهرک‌نشینان افراطی اسرائیلی وضع کرده بود و آزادسازی محموله بمب‌های سنگینی بود که بایدن متوقف نموده بود.

از سوی دیگر، نتانیاهو همچنان از همه طرف تحت فشار است، در حال محاکمه و اکنون در حال ادای توضیحات در پرونده‌ی فساد خود؛ تحت فشار انتلاف راست‌گرای خود برای از سرگیری جنگ در غزه؛ با درخواست احزاب مذهبی ائتلاف برای معافیت اعضایشان از خدمت سربازی روبروست؛ و تحت فشار خانواده‌ه‌های گروگان‌ها بسرای اولوی دادن به آزادی آنها قرار دارد. در کاخ سفید، اگرچه راه‌حلی

**فارن پالیسی بررسی کرد**

# اختلاف ضمنی ترامپ و نتانیاهو درباره ایران



برای مشکلات نتانیاهو نیست، اما در کارزار نخست‌وزیر برای نشان دادن اهمیت خود، دستاویزی قابل سخن گفتن خواهد بود.

با این حال، همه چیز در دنیای ترامپ و نتانیاهو خوب نیست. نتانیاهو که بین نیاز به احیای چشم‌انداز توافق عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل است، بهای عادی‌سازی را به‌ویژه در ارتباط با فلسطین، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. درخواست عربستان مبنی بر اینکه اسرائیل به افق سیاسی منتهی به راه‌حل دو کشوری متعهد شود، ممکن است برای نتانیاهو بیش از حد سنگین باشد. ایران موضوع دیگری است که ترامپ و نتانیاهو ممکن است بر سر آن اختلاف نظر داشته باشند. نتانیاهو آشکارا در مورد امید خود به حمایت آمریکا از حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران صحبت کرده است.

پس از مرحله‌ی اول توافق، جنگ را از سر نگیرد، ائتلاف با سرنگون خواهد کرد. مشخص نیست که نتانیاهو چگونه از این محصمه بیرون خواهد آمد. او برای خریدن وقت، به ائتلاف خود یادآوری خواهد کرد که طبق توافق، اگر مذاکرات در مورد مرحله‌ی دوم، که قرار است از ۴ فوریه آغاز شود، ادامه یابد، آتش‌بس ادامه خواهد یافت؛ و به ترامپ نامه‌ی تضمین حمایتی را که ظاهراً از بایدن است - و ظاهراً توسط دولت ترامپ نیز تأیید شده است - یادآوری خواهد کرد که می‌تواند جنگ را ادامه دهد تا از پیروزی سیاسی حماس جلوگیری کند. نتانیاهو ممکن است رضایت ترامپ را بسرای ادامه‌ی جنگ برای مدت زمان توافق شده جلب کند.

به گزارش انتخاب ، فارن پالیسی تأکید می‌کند ؛ ترامپ پیش از این اعلام کرده که می‌خواهد به جنگ‌ها پایان دهد، نه اینکه آنها را آغاز یا ادامه دهد. بنابراین، بعد است که به نتانیاهو فضای مانور زیادی بدهد. یک شاید کاملاً می‌تواند فکر یک شیاد دیگر را در

## نگاه انگلیسی به تحلیل تهران از ترامپ

**چارلی گمل تاریخ‌دان و دیپلمات سابق انگلیسی که در میز ایران در وزارت خارجه بریتانیا فعالیت داشته، در نشریه بریتانیایی «اسپکیتیور» نوشت: صحبت کنیم یا نکنیم؟ این پرسش، این روزها میان سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران، از تندرو تا اصلاح‌طلب، مطرح است. دونالد ترامپ به‌وضوح اعلام کرده که امیدوار است ایران از برنامه هسته‌ای خود، از طریق توافقی با واشگتتن دست بکشد.**

با وجود تمام توجهی که به انتصاب‌های ترامپ در وزارت دفاع، وزارت خارجه و کاخ سفید شده است، شاید در مورد ایران بیشتر بتوان از کسانی که کنار گذاشته شده‌اند نتیجه گرفت، مایک پمپئو، جان بوتنون و برایان هوک، نماینده پیشین ترامپ در امور ایران، که همگی به‌شدت ضدایران بودند و تلاش داشتند ترامپ را به اتخاذ سیاست خاصی در قبال تهران وادار کنند. آنها تاوان سرسختی خود را داده‌اند. ترکیب کنونی مشاوران ترامپ در خاورمیانه، از پنتاگون تا کاخ سفید و وزارت خارجه، طیفی از صلح‌طلب تا جنگ‌طلب را در بر می‌گیرد، که نشان می‌دهد ترامپ، بیش از هر چیز، می‌خواهد گزینه‌های باز را نگه دارد و به مذاکره تمایل اولیه دارد.

جرماتی در تهران به دنبال راهی برای خروج از این چرخه‌ی بی‌پایان تورم، بیکاری و انزوای جهانی هستند. تنها چیزی که تاکنون از صحبت‌ها دریافت کرده‌ایم این است که یک توافق مطلوب است. اما مانند هر توافقی، باید برای همه طرف‌ها کارآمد باشد؛ و هنگامی که از ایران صحبت می‌کنیم، از اسرائیل نیز صحبت می‌کنیم. بنیامین نتانیاهو، نخستین رهبر خارجی خواهد بود که از کاخ سفید دیدار می‌کند. در صدر برنامه‌های او، به احتمال زیاد، جمهوری اسلامی ایران، برنامه هسته‌ای آن، وضعیت «محور مقاومت» تهران و ثبات داخلی در ایران قرار دارد.

«**آمریکن اینترپرایز» بررسی کرد**

## پیوند سخت تهران و مسکو



خود هستند. ماهیت درهم‌تنیده این محور‌ها باید به ایالات متحده و متحدانش نشان دهد که موفقیت روسیه از موفقیت ایران جدا نیست. این گزارش تحلیلی سپس با اشاره به تاریخچه روابط و محورهای توافق اخیر دوکشور عنوان داشت که روسیه و ایران در تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ (۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۳) توافقنامه جامع و راهبردی خود را امضا کردند که به همکاری در حوزه‌هایی مانند دفاع، تبادل اطلاعات، استفاده و همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای، توسعه کردیدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال جنوب

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳- ۲ شعبان ۱۴۴۶- ۳ فوریه ۲۰۲۵- سال بیست و چهارم - شماره ۶۴۶

یادداشت

**شرح‌نرج متفاوت ایران و آمریکا**

ساسان کریمی

«همان‌طور که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در دور نخست نشان داد، در یک مورد می‌توان انتظار دو فاز از او را داشت: اگر توافقی به دست نیاید، فشار حداکثری می‌تواند جایگزین آن شود و او با همان ویژگی‌های پیش‌گفته، تمام‌قد از آن دفاع خواهد کرد.»

می‌گویند «در سیاست هیچ چیز دو بار اتفاق نمی‌افتد». این البته به نظر فیلسوفانه‌ای در عهد باستان باز می‌گردد این معتقد است «دو بار نمی‌توان در یک رودخانه قدم گذاشت؛ چرا که بار دوم، زمان، آب، محیط و همه چیز طور دیگر است.» حالا که ما و جهان با دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده مواجه هستیم، عقاقله ترین و سنسجیده ترین روش، ترمیم شناخت خود است چه در دستگاه شناسایی خود به طوری که ارزیابی مشکلات شناختی دوره گذشته را آسیب نرسانانه دنبال کند و چه تلاش برای کنشگری متناسب و تشکیل تصویر واقعی‌تر و واضح‌تر از خود در دیده دیگران. نمی‌توان انکار کرد که غفلت از دومی، موجب برسانی تصویر کمرنگ غایب یا کم‌رنگ توسط دیگران خواهد شد. سومین امر که البته بی ارتباط با دو مورد نخست نیست ارزیابی محیط و شرایط است. پر واضح است که مهم‌ترین و پررنگ‌ترین موضوعی فی‌مابین ایران و دونالد ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری او، برجام و خروج از آن و متعاقباً سیاست موسوم به «فشار حداکثری» بود. با توجه به مشخصات خروج او از توافق هسته‌ای با ایران، حک شدن نام باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا بر آن بود. حتی امروز که در دور دوم ریاست ترامپ نیز حس رقابت خوبی او با باراک اوباما و کنش‌های تحقیر آمیزش نسبت به جو بایدن به طور هفتگی نمود می‌یابد. با این رویحه ترامپ می‌توان گفت دستاوردی تاریخی که از زمان چنین سلف رقیبی به ارث رسیده باشد، آخرین چیزی است که ممکن است دونالد ترامپ علاقه‌مند به حفظ آن باشد؛ آن هم با جمهوری اسلامی ایران که تعاملاتش با ایالات متحده فراوان و پر بسامد نیست و در حالی که توافق فوق‌ت حد زیادی به سود ایران تعبیر می‌شد.

**فرصت‌های بالقوه**

آنچه باید مورد توجه قرار داد این است که در حال حاضر توافقی بر موضوع هسته‌ای و دیگر موارد بین ایران و ایالات متحده جاری و در حال اجرا نیست و از آنچه اتفاق می‌افتد به عنوان میراث تلقی می‌شود؛ اما برای حفظ میراثی که او با توجه به نتایج شناختی شخصی‌اش برای تبلیغ آن از هیچ تلاشی پرهیز نخواهد کرد هر چند توافقی جدید از نظر شکلی شبیه توافق قبل باشد. این موضوع بدو فرصتی است برای طراحی کنشگری که چندان دشوار برای جمهوری اسلامی ایران که بتواند از آن راه، نفع شرش برد. از فرصت‌هایی که در این نوع کنشگری سیاست خارجی می‌توان نام برد این است که معمولاً توافقی با راستگرایان، پایدارتر است، چرا که اگر بتوان با دورترین گرایش به نوعی توافق دست یافت، گرایش‌های معتدل‌تر انگیزه و گرایشی برای هر دو زن آن خواهند داشت.

تکنه دیگری که باید به آن توجه کرد این است که ترامپ به واسطه دور دوم ریاست جمهوری که آخرین دور محسوب می‌شود و با رویحه خودشیفته‌ای که جهان از او سراغ دارد، بی‌قرار «فشار سازی» و «هتسارد سازی» است. در چنین شرایطی چه چیز بهتر از موضوعات فی‌مابین سا جمهوری اسلامی ایران که هیچ رئیس‌جمهوری نتوانسته است با ترامپ همکاری به آن برسد؟ اگر چه برجام در زمان ترامپ به دست آمده بود احتمالاً او از آن به عنوان بی‌ظنیرترین توافق تاریخ آمریکا یاد میکرد. بنابراین برای ترامپ مهم نیست که متن چیست، بلکه مهم‌ترین وجه هر پدیده، ارتباطش با او و «ترامپی» بودن آن است. این نکته به خودی خود یک فرصت است، زیرا وقتی طرف مقابل تا این حد به «کلیات» و همچنین «سرعت دستیابی» توجه دارد، می‌توان جزئیات بیشتری را به دست آورد. در واقع، باید بیش از هر چیز به این نکته توجه کرد که خوداری بودن رئیس‌جمهور می‌تواند به مهار وسواس و فشار کارشناسانه طرف مقابل کمک کند و تا حد ممکن، ستانده‌ها را بر اساس داده‌ها به گونه‌ای با جزئیات و انضام برساخت. اولویت ترامپ در موارد متعدد، به‌ویژه در موضوع ایران، «تغییر وضعیت موجود» است. این رویکرد به وضوح نشان‌دهنده ضعف و ناتوانی رئیس‌جمهور قبلی است. ناتوانی رئیس‌جمهور پیشین در دوره اول به دلیل به ارث رسیدن برجام و عدم توانایی دولت اوباما در «فشار هرگونه توافق، ناتوانی دولت بایدن در «رسیدن به توافق مطلوب و ایران» نیز قابل توجه است. این نکته، مهم‌ترین نقطه ورودی است که باید مورد توجه قرار گیرد. نشانه‌های امیدوارکننده‌ای مانند ضعف و ناامیدی اپوزیسیون ایرانی و انتصابات ترامپ، در کنار اصلاح روابط با کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای عربی، می‌توانند به بهبود شرایط مذاکراتی ایران کمک کنند.

**تهدیدهای بالقوه**

اولین تهدید، مفروضات و تصورات است. این که ترامپ تاجر است و به هر حال توافقی می‌کند، به هیچ وجه صحیح نیست. سابقه تاریخی دیپلماسی ایران در چند سده گذشته

نشان می‌دهد که فرصت‌ها چندان قدر دانسته نمی‌شوند و معمولاً دامنی قلمداد می‌گردند. این امر باعث می‌شود که سطح انتظار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران افزایش یابد و این دور آتقدرد ادامه پیدا کند که در نهایت موسم فرصت به سر آمده و پنجره فرصت بسته می‌شود. در آن زمان است که تلاش برای استفاده از فرصت‌های از دست رفته آغاز می‌شود. واقعیت این است که همان‌طور که ترامپ در دور نخست نشان داد، در یک مورد می‌توان انتظار دو فاز از او را داشت. اگر توافقی به دست نیاید، فشار حداکثری می‌تواند جایگزین آن شود و او با همان ویژگی‌های پیش‌گفته، تمام‌قد از آن دفاع خواهد کرد.

رویداد

**سفر رئیس پارلمان عراق به تهران**

شبکه خبری المیادین از سفر احتمالی رئیس پارلمان عراق به ایران خبر داد.

شبکه خبری المیادین در این باره اعلام کرد به اطلاعاتی دست یافته است که نشان می‌دهد محمود المشهدانی، رئیس پارلمان عراق روز یکشنبه به ایران سفر می‌کند.

المیادین به جزئیات و دست‌ور کار این سفر احتمالی اشاره ای نکرده است.
در پایان گزارش امریکن اینترپرایز آمده است: بنابراین استراتژی آمریکا در قبال ایران باید به طور جدایی‌ناپذیری با استراتژی روسیه پیوند داشته باشد و بالعکس. ایالات متحده و متحدانش باید بدانند که نمی‌توانند بین مسکو و تهران شانکاف ایجاد کنند؛ این دو کشور نشان داده‌اند که در رفغ تنش‌ها و تهدب به هسته ایدئولوژیک ضدآمریکایی و همکاری سودمند متقابل خود مهارت دارند.